

جنایت صبحگاهی در برج ۲۰ طبقه

مرد ثروتمند قربانی طلب یک میلیارد تومانی اش شد



گروه حوادث- مرضیه همایونی / اختلاف یک میلیارد تومانی مرد دلال زمین و خودرو با مدیر شرکت آرایشی بهداشتی در حالی به جنایت ختم شد که کارآگاهان جنایی وی را دو روز بعد از قتل در حالی که قصد خروج از کشور را داشت، دستگیر کردند.

به گزارش «ایران»، ساعت ۵ بعد از ظهر ۲۸ فروردین، مرگ مرد ۴۸ ساله در یک برج به بازرس محمدجواد شفیعی و تیم بررسی صحنه جرم اعلام شد. به دنبال این خبر تیم جنایی به محل حادثه که طبقه پانزدهم برجی ۲۰ طبقه در منطقه کوهک-غرب تهران- بود، رفتند.

با ورود به محل، آنها با جسد مرد جوان در حالی رویه‌رو شدند که با ۳۷ ضربه چاقو به قتل رسیده بود. در ورودی خانه سالم اما اتاق خواب به‌هم ریخته بود که در بررسی‌های اولیه این فرضیه مطرح شد و وسایلی به سرقت رفته است. متخصصان پزشکی قانونی زمان مرگ را ساعت ۹ صبح همان روز اعلام کردند. باتوجه به وسایل پذیرایی روی میز این فرضیه که مقتول از سوی میهمانش به قتل رسیده باشد، قوت گرفت. فردی که خبرقتل را به پلیس گزارش کرده بود، در تحقیقات گفت: مقتول، مدیر یکی از شرکت‌های بزرگ لوازم بهداشتی آرایشی بود و من کارمندش هستم. او ازدواج نکرده و مجرد بود و به‌تندی در این خانه زندگی می‌کرد. بسیاری فرد منظم و قانونمندی بود. او همیشه رأس ساعت ۹ صبح به شرکت می‌آمد اما امروز خبری از او نشد و تلفن همراهش نیز پاسخ نمی‌داد. باتوجه به اینکه اگر به هر دلیلی تأخیر داشت به ما اطلاع می‌داد، در نهایت تصمیم گرفتیم به خانه‌اش بپیایم.

او ادامه داد: به برجی که محل زندگی امیر مقتول- بود، آمدم و از سرایدار سراسری‌ها گفتم. اما مرد سرایدار هم مدعی بود که خروج امیر را ندیده است؛ فقط گفت که او صبح دو میهمان داشته است. با مشخص شدن این موضوع با کمک سرایدار در راه

گرفت و خواست به خانه امیر بروم. به محض ورود با جسد امیر مواجه شدم و شهرام گفت که ناخواسته دست به قتل زده است. من حتی شاهد این جنایت هم نبودم. بعد هم باهم فرار کردیم. ساعاتی بعد به محل برگشتم تا سر و گوشی آب بدهم و ببینم چه شده و جسد پیدا شده و راز این قتل برملا شده است یا نه که ما سوزان مرا دستگیر کردند.

از شهرام خبری ندارم و نمی‌دانم به کجا رفته است، اما می‌دانم که وسایلی شخصی اش را برداشته و متواری شده است. گرفت و خواست به خانه امیر بروم. به محض ورود با جسد امیر مواجه شدم و شهرام گفت که ناخواسته دست به قتل زده است. من حتی شاهد این جنایت هم نبودم. بعد هم باهم فرار کردیم. ساعاتی بعد به محل برگشتم تا سر و گوشی آب بدهم و ببینم چه شده و جسد پیدا شده و راز این قتل برملا شده است یا نه که ما سوزان مرا دستگیر کردند.

از شهرام خبری ندارم و نمی‌دانم به کجا رفته است، اما می‌دانم که وسایلی شخصی اش را برداشته و متواری شده است. گرفت و خواست به خانه امیر بروم. به محض ورود با جسد امیر مواجه شدم و شهرام گفت که ناخواسته دست به قتل زده است. من حتی شاهد این جنایت هم نبودم. بعد هم باهم فرار کردیم. ساعاتی بعد به محل برگشتم تا سر و گوشی آب بدهم و ببینم چه شده و جسد پیدا شده و راز این قتل برملا شده است یا نه که ما سوزان مرا دستگیر کردند.

از شهرام خبری ندارم و نمی‌دانم به کجا رفته است، اما می‌دانم که وسایلی شخصی اش را برداشته و متواری شده است. گرفت و خواست به خانه امیر بروم. به محض ورود با جسد امیر مواجه شدم و شهرام گفت که ناخواسته دست به قتل زده است. من حتی شاهد این جنایت هم نبودم. بعد هم باهم فرار کردیم. ساعاتی بعد به محل برگشتم تا سر و گوشی آب بدهم و ببینم چه شده و جسد پیدا شده و راز این قتل برملا شده است یا نه که ما سوزان مرا دستگیر کردند.

از شهرام خبری ندارم و نمی‌دانم به کجا رفته است، اما می‌دانم که وسایلی شخصی اش را برداشته و متواری شده است. گرفت و خواست به خانه امیر بروم. به محض ورود با جسد امیر مواجه شدم و شهرام گفت که ناخواسته دست به قتل زده است. من حتی شاهد این جنایت هم نبودم. بعد هم باهم فرار کردیم. ساعاتی بعد به محل برگشتم تا سر و گوشی آب بدهم و ببینم چه شده و جسد پیدا شده و راز این قتل برملا شده است یا نه که ما سوزان مرا دستگیر کردند.

از شهرام خبری ندارم و نمی‌دانم به کجا رفته است، اما می‌دانم که وسایلی شخصی اش را برداشته و متواری شده است. گرفت و خواست به خانه امیر بروم. به محض ورود با جسد امیر مواجه شدم و شهرام گفت که ناخواسته دست به قتل زده است. من حتی شاهد این جنایت هم نبودم. بعد هم باهم فرار کردیم. ساعاتی بعد به محل برگشتم تا سر و گوشی آب بدهم و ببینم چه شده و جسد پیدا شده و راز این قتل برملا شده است یا نه که ما سوزان مرا دستگیر کردند.

از شهرام خبری ندارم و نمی‌دانم به کجا رفته است، اما می‌دانم که وسایلی شخصی اش را برداشته و متواری شده است. گرفت و خواست به خانه امیر بروم. به محض ورود با جسد امیر مواجه شدم و شهرام گفت که ناخواسته دست به قتل زده است. من حتی شاهد این جنایت هم نبودم. بعد هم باهم فرار کردیم. ساعاتی بعد به محل برگشتم تا سر و گوشی آب بدهم و ببینم چه شده و جسد پیدا شده و راز این قتل برملا شده است یا نه که ما سوزان مرا دستگیر کردند.

از شهرام خبری ندارم و نمی‌دانم به کجا رفته است، اما می‌دانم که وسایلی شخصی اش را برداشته و متواری شده است. گرفت و خواست به خانه امیر بروم. به محض ورود با جسد امیر مواجه شدم و شهرام گفت که ناخواسته دست به قتل زده است. من حتی شاهد این جنایت هم نبودم. بعد هم باهم فرار کردیم. ساعاتی بعد به محل برگشتم تا سر و گوشی آب بدهم و ببینم چه شده و جسد پیدا شده و راز این قتل برملا شده است یا نه که ما سوزان مرا دستگیر کردند.

از گوشه و کنار ایران

مرگ غم‌انگیز نوعروس در شب ازدواج



زوج جوان که پس از پایان جشن عروسی خود به خانه جدید می‌رفتند، بر اثر واژگونی خودرویشان دچار حادثه شدند و نوعروس جانش را از دست داد.

امین عربپور، رئیس مرکز فوریت‌های پزشکی شهرستان زرنند گفت: ساعت ۲۳:۲۰ پنجشنبه خبری مبنی بر واژگونی و سقوط یک دستگاه سواری به دهانه پل واقع در دوراهی بهشت زهرا اعلام شد و بلافاصله ۲ تیم فوریت‌های پزشکی به محل حادثه اعزام شدند. بررسی‌ها نشان داد خودروی عروس و داماد بندت آسیب دیده است و نوعروس با حال وخیم در خودرو گرفتار بود که با انجام اقدامات فنی و تخصصی توسط عوامل اورژانس بیرون آورده شد.

عربپور گفت: این فرد بعد از انجام اقدامات لازم ضمن عملیات احیا به بیمارستان سینما منتقل شد که با وجود تلاش پزشکان و عروس ۲۰ ساله زرنندی به علت شدت جراحات در یکی از بهترین شب‌های زندگی‌اش جان خود را از دست داد. داماد نیز توسط آمبولانس دیگری با حال عمومی رضایتبخش برای ادامه درمان به بیمارستان سینما منتقل شد.

حمله خونین سگ‌ها به دختر دانش‌آموز



سگ‌های ولگرد روستای حصار پایین دماوند با حمله به دختر دانش‌آموز، وی را روانه بیمارستان کردند.

این حادثه ساعت ۷ صبح چهارشنبه در حالی رخ داد که این دختر در حال رفتن به مدرسه بود که ناگهان سگ‌های ولگرد به او حمله کردند و بر اثر جراحات شدید راهی بیمارستان شد و پراساس پیگیری‌های انجام شده، به علت جراحات زیاد برای تکمیل درمان به بیمارستانی در شهر تهران منتقل شده است.

۱۵ مصدوم در تصادف اتوبوس و کامیون

با برخورد یک دستگاه کامیون و اتوبوس در محور مهریز به انار ۱۵ نفر مصدوم شدند. محمد عشقی، مدیرعامل هلال احمر یزد اظهار کرد: حدود ساعت ۴ صبح جمعه یک دستگاه اتوبوس که از ایرانشهر به سمت اصفهان در حال عزیمت بود در محور مهریز به انار با یک دستگاه کامیون برخورد کرد که در جریان آن ۱۵ نفر مصدوم شدند. بلافاصله پس از این گزارش، نیروهای امدادی هلال احمر پایگاه امداد و نجات جاده‌ای زین الدین مهریز با یک دستگاه آمبولانس و خودروی نجات به محل حادثه اعزام شدند. علت این حادثه توسط پلیس در دست بررسی است.

قتل خواهر به خاطر ارضیه پدری

پسر جوانی در اقدامی هولناک با شلیک به خواهرش، وی را در شهرستان زابل به قتل رساند. چند شب قبل خیرشلیک دو گلوله به دختری ۲۵ ساله در خانه پدری‌اش به پلیس اعلام شد. وقتی مأموران به محل حادثه رفتند با جسد این دختر که از ناحیه سر و گردن مورد اصابت گلوله کلت کمری قرار گرفته بود رویه‌رو شدند و پس از انتقال جسد به پزشکی قانونی به تحقیق از نامادری مقتول که در خانه حضور داشت پرداختند. وی در اینباره گفت: برادر ۲۰ ساله این دختر او را به قتل رساند و فرار کرد.

در ادامه بررسی‌ها مشخص شد دختر جوان بعد از جدایی پدر و مادرش همراه مادر خود زندگی می‌کرده و به کار آرایشگری مشغول بوده اما شب حادثه وقتی به خانه پدری‌اش در زابل رفته با برادرش بر سر مسائل ارث و میراث خانوادگی درگیر شده و پسر جوان با شلیک دو گلوله او را به قتل رسانده و فرار کرده است. تحقیقات برای دستگیری متهم و روشن شدن انگیزه اصلی این جنایت ادامه دارد.

کشف ۳۰۰ کیلو مواد مخدر در مرز سراوان

مرزبانان هنگ مرزی سراوان از ورود ۳۰۰ کیلوگرم مواد افیونی به داخل کشور جلوگیری کردند.

سردار رضا شجاعی، فرمانده مرزبانی استان سیستان و بلوچستان در تشریح این خبر گفت: مرزبانان هنگ مرزی سراوان با کار گسترده اطلاعاتی به سرنگ‌هایی از قاچاق محموله سنگین مواد مخدر از مناطق مرزی به عمق کشور در حوزه استضافتی این شهرستان دست یافتند و با کنترل نامحسوس محل عبور قاچاقچیان، خودروی متعلق به اعضای این باند را در حال جابه‌جایی محموله سنگین مواد مخدر در یکی از مسیرهای فرعی شناسایی کردند و تحت نظر گرفتند. سردار شجاعی اظهار کرد: سوداگران مرگ قصد داشتند در فرصتی مناسب مواد مخدر را از نقطه صفر مرزی به داخل کشور منتقل کنند، ولی مرزداران طی عملیاتی ضربتی و غافلگیرانه موفق شدند خودروی آنها را توقیف و دو قبضه سلاح، ۳۰۰ کیلوگرم مواد مخدر شامل ۲۹۸ کیلوگرم تریاک و ۲ کیلوگرم هروئین نیز کشف کنند.

در دسر ورود مار به موتور خودرو



ورود یک حلقه مار به داخل موتور خودرو راننده را به وحشت انداخت. یکی از شهروندان با مراجعه به ایستگاه آتش‌نشانی از ورود یک مار به داخل موتور خودروش خبر داد و گفت: در حال رانندگی بودم که ناگهان یک حلقه مار از روی شیشه جلویی خودروم با سرعت وارد موتور شد

و من هم بلافاصله به نزدیک‌ترین ایستگاه آتش‌نشانی واقع در استادسرا مراجعه کردم. شهرام مؤمنی، رئیس سازمان آتش‌نشانی رشت گفت: پس از جست‌وجویی کمتر از یک ساعت، یک حلقه مار از لایه‌های گلگیر به خارج از خودرو هدایت شد و آن را بدون هیچ آسیبی به مکان امن منتقل کردند.

۴ زن بدل‌انداز در شاهرود دستگیر شدند

زان بدل‌انداز که سکه‌های تقلبی پارسیان را به بلافلروشان در بازار می‌فروختند از سوی پلیس به دام افتادند.

سرهنگ علیرضا شائبی، فرمانده انتظامی شاهرود گفت: در پی اعلام گزارشی مبنی بر بدل‌اندازی در یکی از طلافروشی‌های شهرستان شاهرود به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰، بلافاصله مأموران پلیس آگاهی به محل اعزام شدند. با بررسی‌های به عمل آمده مشخص شد چهار زن در گروه‌های دو نفره اقدام به فروش تعدادی سکه‌های تقلبی پارسیان به طلافروشان کرده و متواری شده‌اند که پلیس با انجام عملیات حرفه‌ای بلافاصله آنان را در چهار نقطه شهر بازداشت کرد. متهمان غریبومی و سابقه‌دار بودند که در تحقیقات فنی پلیس به پنج فقره بدل‌اندازی سکه طلای پارسیان در شاهرود اعتراف کردند.

من طلب داشت و این اختلاف هر روز بیشتر از روز قبل می‌شد. روز حادثه چه اتفاقی افتاد؟

به همراه بهزاد راهی خانه مقتول شدیم. داشتیم باهم صحبت می‌کردیم که کار به مشاجره و بعد هم دعوا تبدیل شد. عصبانی شدم و با چاقویی که روی میز بود، به او ضربه زدم. به خودم که آمدم، امیر را خونین روی زمین دیدم.

بهزاد در صحنه حضور نداشت؟ امیر از بهزاد دلخوشی نداشت. می‌گفت، شهرام را تو به من معرفی کرده‌ای و باعث دزد سر شده است. به همین دلیل از بهزاد خواستم که پایین منتظر بماند. نیم ساعت بعد که مرتکب قتل شدم، به او زنگ زدم و خواستم بیاید بالا.

چرا اتاق به‌هم ریخته بود؟ دنبال یکسری اسناد و مدارک بودم که آنها را برداشتم. می‌خواستیم کجا بروی؟ شوکه بودم اما با خودم فکر کردم که بهترین کار خروج از کشور است. نمی‌دانستم به کدام کشور می‌روم فقط می‌خواستم بروم اما دستگیر شدم.

شغل تو چه بود؟

دلالی و واسطه‌گری. با امیر زمینی را شریکی در شمال خریداری کردیم. از طرفی امیر سه خودروی کوپیک داشت که آنها را برایش فروختم. واسطه‌گری فروش وسایل آرایشی و بهداشتی شرکتش را نیز به عهده داشتم. اختلاف با امیر سر چه بود؟

سر فروش خودروها و لوازم آرایشی و بهداشتی، امیر حدود یک میلیارد تومان از

من طلب داشت و این اختلاف هر روز بیشتر از روز قبل می‌شد.

به همراه بهزاد راهی خانه مقتول شدیم. داشتیم باهم صحبت می‌کردیم که کار به مشاجره و بعد هم دعوا تبدیل شد. عصبانی شدم و با چاقویی که روی میز بود، به او ضربه زدم. به خودم که آمدم، امیر را خونین روی زمین دیدم.

بهزاد در صحنه حضور نداشت؟ امیر از بهزاد دلخوشی نداشت. می‌گفت، شهرام را تو به من معرفی کرده‌ای و باعث دزد سر شده است. به همین دلیل از بهزاد خواستم که پایین منتظر بماند. نیم ساعت بعد که مرتکب قتل شدم، به او زنگ زدم و خواستم بیاید بالا.

چرا اتاق به‌هم ریخته بود؟ دنبال یکسری اسناد و مدارک بودم که آنها را برداشتم. می‌خواستیم کجا بروی؟ شوکه بودم اما با خودم فکر کردم که بهترین کار خروج از کشور است. نمی‌دانستم به کدام کشور می‌روم فقط می‌خواستم بروم اما دستگیر شدم.

شغل تو چه بود؟

دلالی و واسطه‌گری. با امیر زمینی را شریکی در شمال خریداری کردیم. از طرفی امیر سه خودروی کوپیک داشت که آنها را برایش فروختم. واسطه‌گری فروش وسایل آرایشی و بهداشتی شرکتش را نیز به عهده داشتم. اختلاف با امیر سر چه بود؟

سر فروش خودروها و لوازم آرایشی و بهداشتی، امیر حدود یک میلیارد تومان از

من طلب داشت و این اختلاف هر روز بیشتر از روز قبل می‌شد.

به همراه بهزاد راهی خانه مقتول شدیم. داشتیم باهم صحبت می‌کردیم که کار به مشاجره و بعد هم دعوا تبدیل شد. عصبانی شدم و با چاقویی که روی میز بود، به او ضربه زدم. به خودم که آمدم، امیر را خونین روی زمین دیدم.

بهزاد در صحنه حضور نداشت؟ امیر از بهزاد دلخوشی نداشت. می‌گفت، شهرام را تو به من معرفی کرده‌ای و باعث دزد سر شده است. به همین دلیل از بهزاد خواستم که پایین منتظر بماند. نیم ساعت بعد که مرتکب قتل شدم، به او زنگ زدم و خواستم بیاید بالا.

چرا اتاق به‌هم ریخته بود؟ دنبال یکسری اسناد و مدارک بودم که آنها را برداشتم. می‌خواستیم کجا بروی؟ شوکه بودم اما با خودم فکر کردم که بهترین کار خروج از کشور است. نمی‌دانستم به کدام کشور می‌روم فقط می‌خواستم بروم اما دستگیر شدم.

حادثه هولناک در شرق پایتخت

۶ کارگر

در شعله‌های آتش سوختند

گروه حوادث/ آتش گرفتن اتاقک استراحت کارگران در یک کارگاه ساختمانی جان ۶ کارگر را گرفت.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۱۲:۲۳ ظهر پنجشنبه ۳۰ فروردین، گزارش یک آتش سوزی واقع در آتوبان شهید یاسینی نرسیده به بیمارستان شهید لواسانی به سامانه ۱۲۵ اعلام شد. آتش‌نشانان بلافاصله به محل حادثه که یک طرح در حال ساخت بود اعزام شدند. داخل سوله‌ای در محوطه کارگاه چندین اتاقک ۱۰ متری برای استراحت کارگران در نظر گرفته شده بود و یکی از اتاقک‌ها در آتش می‌سوخت.

۷ کارگر افغانستانی در زمان حادثه داخل اتاقک در حال استراحت بودند که ناگهان میان شعله‌های آتش گرفتار و محبوس شدند. مأموران آتش‌نشانی پس از خاموش کردن آتش موفق شدند یکی از کارگران را که دچار سوختگی شدید هم شده بود از اتاقک خارج کنند و تحویل نیروهای اورژانس بدهند اما ۶ کارگر دیگر جان باخته بودند.

جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی شهر تهران گفت: داخل اتاقک غیر از پتو و موکت وسیله دیگری وجود نداشت. انفجاری هم رخ نداده بود چرا که حتی شیشه‌های اتاقک سالم بود. بررسی‌های اولیه نشان داد هفت نفر در این اتاقک در حال استراحت بودند که آتش سوزی از سمت در خروجی آغاز شده بود. سخنگوی سازمان آتش‌نشانی شهر تهران، در حالی که خبر انفجار در پایانه شرق را تکذیب کرد گفت: این حریق هیچ ارتباطی با پایانه شرق ندارد و بیگ کارگاه ساختمانی است.

پس از مرگ ۶ کارگر موضوع به بازرس سالار صنعتگر کشیک ویژه قتل اعلام شد. بلافاصله تیم جنایی راهی محل شده و با اتاقک دودگرفته و سوخته مواجه شدند. بررسی‌های اولیه حکایت از آن داشت که کارگران در سوله‌ای که ۱۰ اتاقک برای استراحت ناکهاتان در نظر گرفته شده بود، در حال استراحت بودند. آتش در یکی از اتاقک‌ها که حدود ۱۰ متر بود، رخ داده و شواهد اولیه نشان می‌داد که آتش از اجاق گاز خوراک‌پزی که برای پخت ناهار روشن بود آغاز شده است.

در ادامه تحقیقات هویت قربانیان شناسایی و مشخص شد چهار نفر از آنها برادر بودند. بازرس شبه هاشم دادسرای امور جنایی پایتخت دستور داد تا کارشناسان آتش‌نشانی علت اصلی حادثه را مشخص کنند. همچنین بازرس جنایی دستور داده تا کار در طرح به طور موقت تعطیل شود و کارفرما و مدیر طرح که مسئولیت کارگاه را به عهده داشتند به دادسرا احضار و تحقیقات در این رابطه از آنها انجام شود.



گروه حوادث/ سقوط جرثقیل در اسکله پتروشیمی رازی در منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی بندر امام خمینی منجر به مرگ دو کارگر شد.

به گزارش روابط عمومی و سخنگوی شرایط اضطراری منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی، ساعت ۱۰:۲۳ صبح

در اسکله منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی بندر امام خمینی رخ داد

گروه حوادث/ سقوط جرثقیل در اسکله پتروشیمی رازی در منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی بندر امام خمینی منجر به مرگ دو کارگر شد.

به گزارش روابط عمومی و سخنگوی شرایط اضطراری منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی، ساعت ۱۰:۲۳ صبح

جمعه سقوط یک دستگاه جرثقیل پتروشیمی رازی که در اسکله شماره ۶ در حال انجام تعمیرات بوده است منجر به فوت ۲ نفر و مصدوم شدن چهار نفر از نیروهای تعمیرات شد. ۲ نفر از مصدومان حادثه به‌صورت سرپایی درصان و ۲ نفر دیگر نیز به مراکز درمانی اعزام شدند که حال

جمعه سقوط یک دستگاه جرثقیل پتروشیمی رازی که در اسکله شماره ۶ در حال انجام تعمیرات بوده است منجر به فوت ۲ نفر و مصدوم شدن چهار نفر از نیروهای تعمیرات شد. ۲ نفر از مصدومان حادثه به‌صورت سرپایی درصان و ۲ نفر دیگر نیز به مراکز درمانی اعزام شدند که حال

مرگ ۲ کارگر در سقوط جرثقیل

جمعه سقوط یک دستگاه جرثقیل پتروشیمی رازی که در اسکله شماره ۶ در حال انجام تعمیرات بوده است منجر به فوت ۲ نفر و مصدوم شدن چهار نفر از نیروهای تعمیرات شد. ۲ نفر از مصدومان حادثه به‌صورت سرپایی درصان و ۲ نفر دیگر نیز به مراکز درمانی اعزام شدند که حال